

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد حسن سویدان
ویراستاری و ارسال: علی مشرف
۱۶ نومبر ۲۰۲۳



محمد حسن سویدان

محور منابع:

جنگ غزه فاجعه ای برای امنیت انرژی اروپا به همراه دارد

به نظر می‌رسد که جنگ اسرائیل علیه غزه به یک درگیری منطقه‌ای در غرب آسیا، منبع اصلی نفت و گاز اروپا از زمان قطع عرضه روسیه تبدیل شود. هر گونه آتش سوزی منطقه‌ای قیمت انرژی را از سقف عبور خواهد داد، به ویژه زمانی که درگیری به آبراهه های خلیج فارس نشأت پیدا کند.

پس از آغاز درگیری ها در اوکراین تقریباً دو سال پیش، اروپائی ها تحریم محدودی را علیه روسیه اعمال کردند که شش درصد از ذخایر نفت جهان و ۲۴ درصد از ذخایر گاز جهانی را در اختیار دارد .

این تصمیم ستراتیژیک اروپا را وادار کرد تا به سرعت به دنبال منابع انرژی جایگزین، از جمله در غرب آسیا و شمال افریقا، مناطقی که مجموعاً دارای حدود ۵۷ درصد از ذخایر نفت جهان و ۴۱ درصد از ذخایر گاز تثبیت شده جهان هستند، باشد .

جایگزینی گاز طبیعی روسیه با واردات گاز دیگر، گرانتر و مشکل سازتر از نظر لجستیکی برای اروپائی ها هزینه بالایی داشت. اما امروز، اگر بمباران بی رویه فلسطینیان در غزه توسط اسرائیل بیشتر شود و کشورهای دیگر در منطقه غنی از انرژی را درگیر کند، حتی این منابع انرژی ثانویه نیز ممکن است به طور جدی در معرض خطر قرار گیرند.

انرژی در غرب آسیا و شمال افریقا

غرب آسیا و شمال آفریقا برای مدت طولانی بازیگران اصلی در صحنه انرژی جهانی بوده اند. بر اساس اطلاعات منتشر شده توسط **آژانس بین المللی انرژی** در سال ۲۰۲۲، این منطقه تقریباً ۵۰ درصد از صادرات جهانی نفت و ۱۵ درصد از صادرات گاز طبیعی را به خود اختصاص داده است.

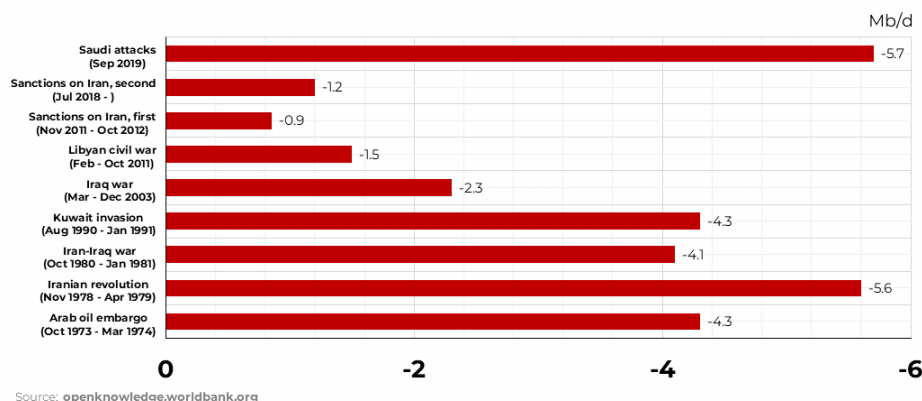
در نتیجه، زمانی که اتحادیه اروپا تصمیم گرفت وابستگی خود به گاز روسیه را کاهش دهد، تولیدکنندگان **غرب آسیا و شمال آفریقا** را به عنوان ناجیان بالقوه در تأمین نیازهای انرژی این قاره در نظر گرفت.

در سال ۲۰۲۱، عربستان سعودی (۱۴.۵ درصد از صادرات جهانی نفت)، عراق (۷.۵۷ درصد)، امارات (۶.۱۵ درصد) و کویت (۴.۲۱ درصد) به عنوان مهم ترین صادرکنندگان نفت در منطقه غرب آسیا-شمال آفریقا ظاهر شدند. در مورد **صادرات گاز طبیعی** در سال ۲۰۲۲، بزرگترین بازیگران شامل قطر (۱۳۶.۳ BCM / سال)، الجزایر (۳۸.۴ BCM / سال)، ایران (۱۷.۷ BCM / سال)، عمان (۱۱ BCM / سال) و مصر (۸.۹ BCM / سال) بودند. درگیری در اوکراین منجر به **افزایش ۲ درصدی** مصرف نفت اروپا در مقایسه با استفاده در دوره قبل از جنگ شد. داده های واردات نفت اتحادیه اروپا در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۳ نشان داد که عربستان سعودی، لیبیا، عراق و الجزایر کشورهای پیشرو صادرکننده نفت به اتحادیه اروپا بودند و مجموعاً بیش از یک چهارم نفت مورد نیاز اتحادیه را تأمین کردند.

در مقابل، مصرف گاز در اروپا در همین مدت **۱۵ درصد کاهش یافت**. ارقام واردات گاز اتحادیه اروپا در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۳ نشان می دهد که الجزایر، قطر، عمان، لیبیا، ترکیه و مصر تأمین کنندگان اصلی گاز اتحادیه اروپا چه به صورت مایع و چه به صورت خط لوله بوده اند. این کشورها روی هم بیش از یک سوم نیاز گاز اتحادیه را تأمین می کردند.

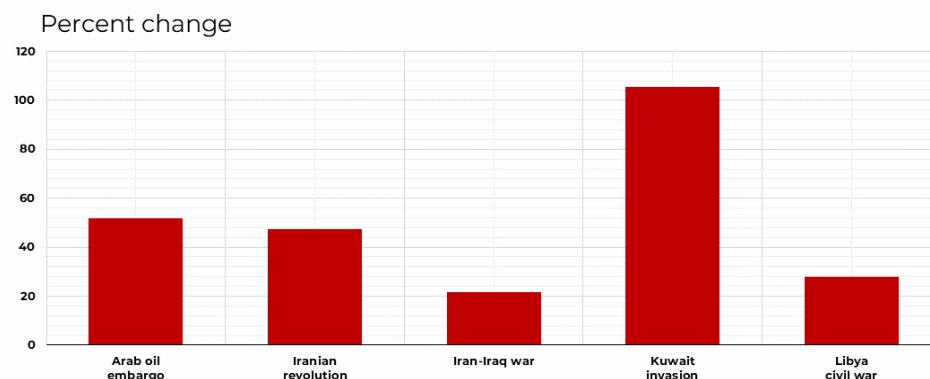
آسیب پذیری اروپا در برابر جنگ در غرب آسیا

از نظر تاریخی، هرگونه تنش یا جنگ قابل توجه در غرب آسیا با کاهش عرضه نفت منطقه و افزایش قیمت جهانی انرژی بر بازارهای انرژی تأثیر می گذارد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۹، زمانی که نیروهای تحت رهبری انصارالله یمن **تأسیسات آرامکو عربستان سعودی** را هدف قرار دادند، صادرات نفت عربستان تقریباً ۵.۷ میلیون بشکه در روز کاهش یافت.



پس از آغاز حمله طوفان الاقصی مقاومت فلسطین به اسرائیل در ۷ اکتوبر، قیمت گاز طبیعی در اروپا **۳۵ درصد** افزایش یافت. این افزایش به دلیل **بسته شدن یک میدان گازی** در سواحل فلسطین اشغالی به دلایل امنیتی و

انفجار یک خط لوله در بحیره بالتیک است. به طور خلاصه، درگیری اوکراین و جنگ در فلسطین با هم برخورد کردند و در نتیجه تأثیرات نامطلوبی بر قیمت انرژی در اروپا داشت.



Source: openknowledge.worldbank.org

پس از طوفان الاقصی، **بانک جهانی** یک مطالعه تحلیل ریسک ژئوپلیتیکی برای سنجش تأثیر این درگیری فلسطین و اسرائیل بر قیمت جهانی نفت انجام داد. این مطالعه تشنج را در سه سطح طبقه بندی کرد: کوچک، متوسط و بزرگ.

در یک سناریوی "تشنج کوچک" مشابه جنگ ۲۰۱۱ در لیبیا، بانک جهانی کاهش عرضه جهانی نفت را بین ۰.۵ تا ۲ میلیون بشکه در روز پیش بینی کرده است که منجر به افزایش اولیه قیمت نفت ۳ تا ۱۳ درصد - بین ۹۳ دلار و ۱۰۲ دلار در هر بشکه.

در یک سناریوی «تشنج متوسط»، مشابه با جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، بانک جهانی پیش بینی می کند که عرضه جهانی نفت بین ۳ تا ۵ میلیون بشکه در روز کاهش یابد که باعث افزایش اولیه قیمت نفت ۲۱ تا ۳۵ درصد یا هزینه های بین ۱۰۹ دلار و ۱۲۱ دلار در هر بشکه.

در نهایت، در یک سناریوی "تشنج بالا" شبیه به تحریم نفتی اعراب در سال ۱۹۷۳، بانک جهانی کاهش عرضه جهانی نفت را بین ۶ تا ۸ میلیون بشکه در روز پیش بینی کرده است که منجر به افزایش قیمت اولیه نفت از ۵۶ درصد تا ۷۵ درصد خواهد شد با هزینه های سرسام آور بین ۱۴۰ تا ۱۵۷ دلار در هر بشکه.

چنین افزایشی در قیمت نفت فاجعه ای برای اروپا به همراه خواهد داشت، اروپا که در حال حاضر با باز خرید منابع انرژی با قیمت های متورم دست و پنجه نرم می کند تا کاهش واردات خود از روسیه را جبران کند.

در حالی که این مطالعه تأثیر تشنج ها بر قیمت گاز طبیعی در غرب آسیا را بررسی نکرد، اما بر ماهیت به هم پیوسته منابع انرژی تأکید کرد. با کاهش عرضه نفت، اثر موجی به دیگر منابع انرژی گسترش می یابد و قیمت گاز به ویژه تحت تأثیر قرار می گیرد.

تغییر وابستگی به گاز

اروپا به عنوان قاره ای برجسته است که احتمالاً به دلیل دور شدن از گاز خط لوله روسیه، شاهد افزایش قابل توجه قیمت گاز خواهد بود، که منجر به افزایش **وابستگی قابل توجه به گاز طبیعی مایع (LNG)** منتقل شده توسط ایالات متحده می شود.

اروپا علاوه بر پیامدهای فوری تشدید تنشج ها و **جنگ منطقه ئی** در حال افزایش قیمت نفت و گاز در سرتاسر جهان، با بسیاری از عوامل دیگر مواجه است که می تواند بر صادرات انرژی از جهان عرب عمیقاً تأثیر بگذارد. درگیری منطقه ئی تمام عیار با مشارکت کشورهای محور مقاومت مانند ایران، یمن، عراق، سوریه و لبنان می تواند عواقب ناگواری داشته باشد. این کشورها که همگی به آبهاها و تنگه ها دسترسی دارند، می توانند به طور بالقوه مسیرهای تجاری به اروپا از جمله انتقال نفت و گاز مایع را مختل کنند.

تنگه هرمز که بین عمان و ایران قرار دارد، به عنوان کریدور انرژی اولیه جهان اهمیت زیادی دارد و **بیش از یک پنجم عرضه جهانی نفت** و **یک سوم کل عرضه LNG** از آن عبور می کند.

کشورهای عمده صادرکننده نفت از جمله عربستان سعودی، ایران، امارات، کویت و عراق به این گذرگاه متکی هستند. علاوه بر این، قطر، بزرگترین صادرکننده LNG در سراسر جهان، اکثر صادرات LNG خود را از طریق این تنگه ارسال می کند. با توجه به این که تقریباً ۲۰ درصد از جریان جهانی LNG سالانه از این تنگه عبور می کند، هرگونه بسته شدن توسط ایران یا متحدانش می تواند بشدت بر عرضه نفت و گاز اروپا تأثیر بگذارد.

با خونریزی فلسطین، اروپا احساس فشار خواهد کرد

سناریوی بالقوه دیگر شامل بسته شدن **تنگه باب المندب** است، گذرگاه ستراتیژیک مشرف به یمن که به عنوان یک محور در مسیر تجارت بحری عمل می کند که بحیره مدیترانه و اقیانوس هند را از طریق بحیره سرخ و کانال سوئز متصل می کند.

بیشتر صادرات LNG از خلیج فارس از این مسیر عبور می کند و در سال ۲۰۱۷، **نزدیک به ۹ درصد** از کل نفت و فرآورده های تصفیه شده که از طریق ابحار حمل می شد از این تنگه عبور می کرد که بیش از نیمی از آنها به مقصد اروپا بود. تعطیلی تنگه باب المندب می تواند نفتکش های خلیج فارس را مجبور به تغییر مسیر در نواحی جنوبی آفریقا کند که منجر به افزایش زمان ترانزیت و هزینه های حمل و نقل خواهد شد.

اروپا با یک انتخاب جدی روبه رو خواهد شد: پذیرش قیمت های گزاف برای جریان مداوم نفت و گاز که باعث فشار شدید اقتصادی می شود - یا در موضع خود در قبال گاز روسیه تجدید نظر کند که در سطح بین المللی به عنوان یک عقب نشینی تحقیرآمیز تلقی خواهد شد.

اتحادیه اروپا در ابتداء به غرب آسیا روی آورد تا کاهش عرضه گاز روسیه را جبران کند، حتی اگر این به معنای هزینه های بالاتر باشد. با این حال، چشم انداز فزاینده جنگ فلسطین به یک درگیری در سطح منطقه، اکنون در قابل اعتماد بودن ارسال نفت و گاز غرب آسیا به اروپا تردید جدی ایجاد می کند. هر گونه تشدید مناقشه احتمالاً منجر به افزایش سرسام آور قیمت انرژی خواهد شد و ضربه ای ویرانگر به بخش های کلیدی اقتصادهای اروپائی، به ویژه المان، وارد می کند.

اولاف شولز، صدراعظم المان، در پیشبینی بحران پیش رو، بی سر و صدا به دنبال منابع انرژی جایگزین شد: همین هفته گذشته، او از غنا و نیجریه به امید لوله کشی منابع جدید انرژی برای اروپا **بازدید کرد**.

در حالی که اسرائیل بمباران غزه را با تسلیحات امریکائی و اروپائی افزایش می دهد، خطر ظهور جبهه های جنگی جدید توسط عناصر نظامی پیچیده تر محور مقاومت منطقه را تهدید می کند که تهدیدی برای تشدید تنشج ها در سراسر غرب آسیا است و به طور بالقوه اروپا را در یک گودال اقتصادی فرو می برد.

روزهائی که اروپا از رونق مستمر برخوردار بود در حالی که غرب آسیا از پیامدهای سیاست های غرب و اسرائیل رنج می برد، مدت هاست گذشته است. محور مقاومت - در پیوند با نفوذ فزاینده قدرت های چند قطبی مانند روسیه و چین - اکنون دارای قابلیت ها و گزینه هائی است که می تواند محور غرب، از واشنگتن گرفته تا بروکسل و تل ابیب را به نبرد فراخواند و اساساً بازار جهانی انرژی را همانطور که می دانیم تغییر دهد.

۸ نومبر ۲۰۲۳